

تروریسم نوین و پارادایم مبارزه فرهنگی

سید سعید هاشمی نسب^۱

چکیده

در دو دهه اخیر تروریسم مهمترین پدیده‌ی سیاسی است که ناامنی و خشونت عریان را رغم زده است، خشونتی که رسانه‌های عصر جهانی در پخش و به نمایش گذاشتن آن از هم پیشی گرفته‌اند. در این سپهر، حملات یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ را می‌توان نقطه عطف مطالعات تروریسم دانست. این عملیات که ظاهراً توسط القاعده برنامه ریزی و اجرایی شد و توسط رسانه‌های جهانی به نمایش درآمد نشان از تحولی عمیق در مطالعات مربوط به تروریسم بود. در نوشتار حاضر تلاش خواهد شد با محوریت این پرسش که چه شاخصه‌هایی را می‌توان برای تروریسم نوین برشمرد و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ به مطالعه ابعاد جدید تروریسم پرداخته شود. جواب ابتدایی به این پرسش چنین طراحی شده است که «پدیده تروریسم - در نتیجه تحولات ناشی از جهانی شدن - با تحولی بنیادین مواجه شده که شاخصه‌ی اساسی آن را می‌توان دگرگونی تروریسم از یک پدیده محلی - ملی به یک پدیده بین‌المللی - جهانی دانست که سعی دارد با بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی ناشی از فرایند جهانی شدن به اهداف سیاسی خود دست یابد و به همین جهات مبارزه با آن مبتنی بر پارادایم فرهنگی و درمان ریشه‌ای آن می‌باشد».

واژگان کلیدی: تروریسم، جهانی شدن، تروریسم نوین و موج چهارم تروریسم، راهبردهای مواجهه، پارادایم فرهنگی.

۱. پژوهشگر حوزه آفریقا و عربی پژوهشگاه المصطفی ص، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
ایمیل: saeidhasheminasab@gmail.com - ت. دریافت: ۹۴/۳/۱۲ ت. تصویب: ۹۴/۵/۲

مقدمه

پدیده‌ی تروریسم در جهان امروز در حال گسترش است. این پدیده مخصوصاً از آغاز ربع آخر قرن بیستم میلادی به شدت فراگیر شده است؛ براساس آمارها در فاصله سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۸۲ تقریباً ۸۰۰۰ اقدام تروریستی به ثبت رسیده است که نرخ سالانه وقوع اقدامات تروریستی بین ۵۸۰ تا ۶۰۰ در نوسان بوده است که حدوداً به رقم دو عملیات در هر روز می‌رسد. این اقدامات عمدتاً در ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی متمرکز بوده است.

آمار دیگر نشان می‌دهد که از زمان حمله به سفارت ایالات متحده در بیروت در آوریل سال ۱۹۸۳، حدود ۱۸۸ حمله تروریستی صرفاً انتحاری جداگانه در سراسر جهان، در لبنان، سری‌لانکا، هند، پاکستان، افغانستان، یمن، ترکیه، روسیه و ایالات متحده اتفاق افتاده است. در هر کدام از ۱۸۸ مورد حمله‌ی تروریستی انتحاری از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ بطور میانگین ۱۳ نفر کشته شده‌اند (بدون احتساب کشته‌هایی که بطور بی‌سابقه در حادثه ۱۱ سپتامبر کشته شدند و همچنین بدون احتساب حمله‌کنندگان در همین دوره)، بطور کلی حدوداً ۴۱۵۵ مورد رویداد تروریستی در سراسر دنیا اتفاق افتاده است و در طی آنها ۳۲۰۷ نفر کشته شده‌اند (باز بدون احتساب حادثه ۱۱ سپتامبر). از سال ۱۹۸۰ م تا ۲۰۰۱ م، حملات انتحاری ۳ درصد کل حملات تروریستی و در عین حال ۴۸ درصد کل کشته‌های تروریستی را شامل بوده است (باز بدون احتساب حادثه ۱۱ سپتامبر).

این میزان پدیده‌های تروریستی در جهان که صرفاً در دهه‌ی آخر قرن بیستم اتفاق افتاده‌اند (و در دهه‌ی اول قرن بیست و یکم آمارها تکان‌دهنده تراز آن هستند) تنها شکل متعارف پدیده‌ی تروریسم در جهان است و فراگیر شدن آن نیز بدان علت است که اقدامات تروریستی نتایج مطلوبی را برای تروریست‌ها به ارمغان می‌آورد.^۱ پدیده تروریسم در چند سال اخیر رشد بسیار زیادی یافته است که متأسفانه شیعیان و

۱. ابراهیم متقی و صمد ظهیری و فاطمه جلائیان، تروریسم و جنبش‌های اجتماعی - سیاسی جدید، مجله سیاست، ۱۳۸۸، شماره ۹؛ ص ۲۶۲.

مناطق شیعه نشین یکی از اهداف اصلی این عملیات‌ها بوده‌اند. در این میان تفاوتی بین مردم عادی و نخبگان وجود ندارد.

شیعیان در عراق، سوریه، پاکستان، افغانستان، عربستان و کویت مورد حملات تروریستی قرار گرفته‌اند. ایران نیز به نوبه خود قربانی ترور بوده است؛ از ترورهای ابتدای انقلاب گرفته تا ترور دانشمندان هسته‌ای و ترورهای وحشتناک گروهک به اصطلاح جند الله در جنوب شرق کشور. با توجه به حجم زیاد عملیات انتحاری در منطقه خاورمیانه در چند سال اخیر، بعلاوه موج گسترده آن علیه شیعیان این پرسش شکل می‌گیرد که ما با چه پدیده‌ای مواجه هستیم؟ آیا تروریسم موجود در جهان اسلام متأثر از اصول و مبانی اسلامی است؟ تروریسم تا چه اندازه از برهم کنش مباحث سیاسی، جنگ قدرت و نفوذ بیگانگان و نظام سلطه ناشی شده است؟ امواج تروریسم در تاریخ سیاسی چگونه است؟ چه شاخصه‌هایی را می‌توان برای تروریسم نوین برشمرد؟ راهکارهای مقابله با پدیده تروریسم چیست؟ در این نوشتار کوتاه بر آنیم تا با مروری کوتاه بر تعریف و تاریخچه تروریسم بپردازیم با این فرضیه که «پدیده تروریسم - در نتیجه تحولات ناشی از جهانی شدن - با تحولی بنیادین مواجه شده که شاخصه اساسی آن را می‌توان دگرگونی تروریسم از یک پدیده محلی-ملی به یک پدیده بین‌المللی - جهانی دانست که سعی دارد با بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی ناشی از فرایند جهانی شدن به اهداف سیاسی خود دست یابد و به همین جهات مبارزه با آن مبتنی بر پارادایم فرهنگی و درمان ریشه‌ای آن می‌باشد».

۱- تعریف تروریسم

در حقوق و روابط بین‌الملل تعاریف مختلفی از پدیده تروریسم صورت گرفته است؛ دانشنامه بریتانیکا تروریسم را به «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی ناپذیر، بر ضد حکومت‌ها، انسان‌ها و افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی» تعریف کرده است. یا وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۰ تعریف نسبتاً جامع‌تری از تروریسم ارائه داده است: «تهدید یا توسل غیر قانونی به زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مرعوب ساختن حکومت‌ها یا انسان‌ها اغلب به قصد

دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی و یا ایدئولوژیک»^۱. در تعریف دیگر چنین بیان شده است: «تروریسم عبارت است از به کارگیری اقدامات خشونت‌بار شدید و غیر قانونی، بر ضد جان یا مال عموم شهروندان غیر نظامی یا بخشی از آنان و یا تهدید به آن، به منظور ایجاد هراس عمومی»^۲.

به نظر می‌رسد تعریف ریچارد هنل در کتاب «تروریسم، شکل جدید جنگ» تعریف کامل‌تری باشد: «ترور، یک ترس فلج‌کننده شدید یا بیم‌آور است. تروریسم تلاش آگاهانه برای اعمال ترور از طریق یک عملکرد سمبلیک است که استفاده یا تهدید به استفاده از زور مهلک غیر طبیعی را به منظور نفوذ بر یک شخص یا گروه هدف در بر دارد»^۳.

تروریسم پدیده جدیدی نیست. تاریخ مشحون از اقدامات تروریستی است؛ اقداماتی که حیات انسان‌های بی‌گناه بی‌شماری را سلب نموده، بسیاری از افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی محروم ساخته، روابط دوستانه فی‌ما بین دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است.

باید توجه داشت که تروریسم یک پدیده سیاسی است و با سایر پدیده‌های سیاسی مانند انقلاب، شورش، کودتا، جنگ و عملیات چریکی تفاوت دارد و در عصر جدید، تروریسم از تهدیدی ملی به یک تهدید بین‌المللی مبدل گشته و هراس آن وجود دارد که با گسترش آن صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتد. در عصر جهانی شدن و تکنولوژی‌های پیشرفته، دیگر تروریسم در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند اما هرگز در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند.

از آن‌جا که تروریست‌ها به بازیگرانی بین‌المللی تبدیل شده‌اند، می‌توانند تقریباً هر جا که بخواهند اقدامات تروریستی خود را ساماندهی کرده، به اجرا گذارند، از این‌رو هیچ

۱. ناصر قربان‌نیا، مواجهه با تروریسم؛ رویکرد نظامی، سیاسی و با حقوقی، *مجله نامه مفید*، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۳؛ ص ۱۴۲.

۲. سیدحسین هاشمی، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰؛ ص ۴۵.

۳. ریچارد هنل، تروریسم؛ شکل جدید جنگ، ترجمه احمد واحدیان غفاری، انتشارات سخن گستر، چاپ اول، ۱۳۸۳؛ ص ۱۳۶.

منطقه، دولت یا ملتی از اقدامات آن مصون نمی‌ماند. تروریست‌ها با انگیزه‌های متفاوت ممکن است دست به اقدامات تروریستی بزنند. خطر آنگاه جدی‌تر جلوه می‌کند که امکان دستیابی گروه‌های تروریست و استفاده آنان از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی مورد توجه قرار گیرد، چنان که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ با صدور قطعنامه‌ای آن را مورد توجه قرار داد.^۱

۲- انواع تروریسم

در حال حاضر و با رشد تکنولوژی‌های ارتباطی تروریسم تنوعی به مراتب بیشتر از دهه‌های گذشته یافته است. امروزه به هشت نوع تروریسم می‌توان اشاره نمود: تروریسم اسطوره‌ای^۲، تروریسم آنارشستی^۳، تروریسم اجتماعی^۴، تروریسم قومی^۵، تروریسم مواد مخدر^۶، تروریسم دولتی^۷، تروریسم ضد تروریسم^۸، و تروریسم ناب^۹.^{۱۰}

واژه نوظهور دیگری در کنار جنگ رایانه‌ای^{۱۱}، جنگ شبکه‌ای^{۱۲} و جنگ اطلاعاتی در مبحث گسترده جنگ در عصر اطلاعات با عنوان سایبر تروریسم^{۱۳} مطرح شده است که برخی آن را یکی از انواع جدید و متمایز تروریسم می‌شناسند، هر چند به نظر می‌رسد نباید آن را نوع جدید تروریسم به شمار آورد. سایبر تروریسم در حقیقت

۱. ناصر قربان نیا، پیشین؛ ۱۴۲.

2. Mytho Terrorism.
3. Terrorism Anarcho.
4. Socio Terrorism.
5. Ethno Terrorism.
6. Narco Terrorism.
7. State Terrorism.
8. Anti Terrorism.
9. pure Terrorism.

۱۰. ناصر قربان نیا، پیشین؛ ۱۴۳.

11. cyber war.
12. net war.
13. cyber terrorism.

مانند دیگر اشکال تروریسم است که در آن یک مولفه رایانه‌ای وجود دارد، سایبر تروریسم روش نوین اقدامات تروریستی است نه نوع دیگر تروریسم^۱. برخی پژوهشگران تروریسم دینی یا مذهبی را به انواع تروریسم می‌افزایند؛ آنها مفهوم تروریسم مذهبی را برای به کارگیری خشونت برای رسیدن به اهداف مقدس، متعالی و مذهبی بکار می‌برند. این نوع تروریسم در تلاش خود گستره وسیعی از انواع دشمنان را به منظور محو همه‌ی پلیدی‌ها مطرح می‌کند. تروریسم دینی پتانسیل زیادی برای تبدیل شدن به تروریسم بین‌المللی دارد. چنین رویکردی را می‌توان در یهودیت (موعود باوران یهودی با طرح معبد حضرت سلیمان)، مسیحیت (متاثر از موعود باوری مانند میثاق، شمشیر، دست خدا و انجمن دینی در آمریکا)، سیک‌ها (تلاش برای تاسیس حکومت مستقل در هند) یا فرقه آئوم شینریکیو در ژاپن و ... مشاهده کرد.

حوادث و ترورهای مانند ترور اسحاق رابین وزیر اسبق رژیم اشغالگر قدس در ۴ نوامبر ۱۹۹۵ توسط یک گروه یهودی، بمب گذاری ساختمان فدرال آمریکا در جنوب اوکلاه‌ماسیتی در سال ۱۹۹۵ توسط تیموتی ونک از فرقه داوودی‌ها، ترور ایندیرا گاندی نخست وزیر هند در ۱۹۸۳ و فرزندش در ۱۹۹۰ به دست بنیادگرایان سیک و یا انتشار کپسول حاوی گاز سارین در ایستگاه‌های مختلف توکیو توسط آئوم شینریکیو از جمله تروریسم‌های دینی محسوب می‌شوند. فعالیت گروه‌هایی چون القاعده، النصره، داعش، بوکوحرام و ... نیز می‌تواند در این دسته قرار گیرد^۲.

۳- چهار موج تروریسم مدرن

تحقیقات تاریخی در مطالعات تروریسم، عمدتاً به مرور یا وقایع‌نگاری تاریخی رویدادهای تروریستی محدود شده است. در این میان دیوید راپوپورت محقق برجسته انگلیسی و متخصص مسائل تروریسم، در مقاله‌ای با عنوان «چهار موج تروریسم

۱. ناصر قربان نیا، پیشین؛ ۱۴۷.

۲. محمد علی ناجی‌راد، جهانی شدن تروریسم، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷؛ صص ۸۰-۸۱.

مدرن» نظریه‌ای در خصوص گونه‌شناسی تاریخی تروریسم بین‌المللی و چگونگی تحول آن در قالب یک فرایند ارائه کرده است که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. مطابق نظریه وی تروریسم بین‌المللی در دنیای پساوستفالیایی تاکنون چهار مرحله یا موج را تجربه کرده است:

اولین موج که به موج آنارشیستی معروف است، در دهه ۱۸۸۰ شروع شد و به مدت چهل سال ادامه پیدا کرد. به دنبال آن و در دهه ۱۹۲۰، **موج ضد استعماری** یا تروریسم قومی شروع شد و عمدتاً در دهه ۱۹۶۰ رو به افول نهاد. اواخر دهه ۱۹۶۰ **موج چپ جدید** یا موج مارکسیستی متولد شد و تقریباً تا دهه ۱۹۹۰ به صورت لجام‌گسیخته‌ای ادامه یافت و هنوز هم در بعضی کشورها نظیر نپال، اسپانیا، پرو، بریتانیا و کلمبیا گروه‌هایی از آن فعال می‌باشند. **چهارمین موج** یا «**موج مذهبی**» در سال ۱۹۹۷ نمود یافت و مطابق تخمین راپوپورت، چنانچه الگوی حاکم بر سه موج قبلی و روند آنها را بر موج جدید نیز منطبق بدانیم، ممکن است در سال ۲۰۲۵ پایان یابد و در آن سال، تاریخ روابط بین‌الملل آغاز موج جدیدی از تروریسم را شاهد باشد.

تکنیک غالب کنش تروریستی در موج اول قتل یا ترور شخصی بود. موج دوم با حمله به اهداف نظامی مشخص می‌شد که در موج سوم جای خود را به هواپیمارمایی و در واقع آدم‌ربایی یا گروگانگیری داد. در سه دهه اول موج سوم بیش از هفتصد هواپیمارمایی رخ داد. با پایان جنگ سرد و فروپاشی مارکسیسم، استراتژیست‌ها و متفکرین معتقد بودند که قرن بیست و یکم شاهد برآمدن موج جدیدی از تروریسم است که تکنیک خاص آن، عملیات انتحاری است.

در عین حال، ایده اصلی راپوپورت این است که تمایز موج جدید تروریسم یا تحول نوین در تروریسم بین‌المللی را نمی‌توان صرفاً با عنصر مذهب توضیح داد. ایشان در مقاله‌ای با عنوان «هراس و اضطراب»، با استناد به سه مورد از معروف‌ترین گروه‌های تروریستی مذهبی یعنی گروه یهودی سیکاری، هندوهای تاگ و اسماعیلیه نزاری (باطنی‌ها) نتیجه می‌گیرد که گروه‌های مذکور بیانگر همان الگوها و رفتارهایی

هستند که امروزه تروریست‌های هریک از ادیان از خود بروز می‌دهند. بنابراین نمی‌توان صرف انگیزه و توجیه مذهبی را مبنای برآمدن موج جدید تروریستی دانست.^۱

۴- عوامل تاثیر گذار بر پدیده تروریسم

باید توجه جدی داشت که نباید تروریسم را یک پدیده مجرد و مستقل غیر وابسته به سایر علل و عوامل دانست. برای فهم شایسته‌تر این پدیده در پارادایم جهانی لازم است ساختار و مجموعه‌ای را که در آن واقع می‌شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در همین راستاست که در اقصی نقاط مختلف دنیا، تروریسم نه به عنوان یک تاکتیک بلکه به عنوان یک استراتژی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر چه خشونت وجه اشتراک همه حرکت‌های تروریستی است، اما در عین حال باید خاطر نشان ساخت که چارچوب نظام بین الملل مانند آپارتاید و نظام ناعادلانه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شرایط و بستر مناسب را برای عملیات تروریستی به وجود می‌آورد.^۲

برای روشن شدن تاثیرات عوامل مختلف بر پدیده تروریسم می‌توان به عنوان نمونه به مطالعه انگیزه عاملان عملیات انتحاری پرداخت؛ به گزارش «گاردین» در هفته‌ی آخر اوت ۲۰۰۸ در بعقوبه-در شمال عراق-زنی که می‌خواست دست به عملیات انتحاری بزند در آخرین لحظه خود را تسلیم پلیس کرد. مأموران به او نزدیک شدند و کمر بند حاوی مواد منفجره را از بدنش باز کردند. بی‌درنگ از این صحنه‌ی دردناک ویدیویی تهیه و منتشر شد که عمق فاجعه را نشان می‌داد. فرد دستگیر شده، یک دختر غیر سیاسی و ناآگاه از اوضاع عراق به نام «رعنا» است که متولد ۱۹۹۲ است. گاردین به نقل از یک مأمور پلیس عراق می‌نویسد، رعنا تنها ۵ ماه پیش از این ماجرا ازدواج کرده و مواد انفجاری به دست زنهای فامیل شوهر او کارسازی شده است. به گفته‌ی پلیس، این دختر ۱۵ ساله به هنگام بازداشت سخت گیج و منگ بوده است، چنانکه به نظر می‌رسد به

۱. فرزاد پورسعید، تحول تروریسم در روابط بین الملل، **مطالعات راهبردی**، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۶، ۱۳۸۸؛ ص ۱۵۱
 ۲. رضا سیم‌پر، جامعه بین المللی و مواجهه با تروریسم: راه کارهای حقوقی - سیاسی در ساختارهای یک جانبه و چند جانبه، سیاست خارجی، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۷۰، ۱۳۸۳؛ ص ۳۲۵.

او دارو خوارنده‌اند. گاردین به نقل از پلیس محلی می‌افزاید که خانواده‌ی شوهر دخترک از حامیان القاعده به شمار می‌روند و رعنا از سوی القاعدهء عراق برای آن مأموریت انتحاری، محکوم به مرگ خود و دیگران شده بود.^۱ پدیده حاضر نشان می‌دهد که چطور مردم اسیر گروه‌های مختلف قرار گرفته و از آنها سوء استفاده می‌شود. نکته مهم آن است که این گروه‌ها از یک منطقه به منطقه دیگر مهاجرت می‌کنند و پدید جهل و نفرت را با کمک پس زمینه فقر و جهل در جهان اسلام گسترش می‌دهند. در نمونه رعنا، هر دو عامل فقر و جهل که بر آمده از حکومت استبدادی صدام حسین و حزب بعث و اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و به تاراج رفتن ثروت عراق است، تاثیر گذارند.

۵- شاخص‌های تروریسم نوین

تروریسم تا قبل از یازده سپتامبر به عنوان پدیده‌ای محلی یا ملی مورد مطالعه قرار می‌گرفت و حتی این پدیده توسط قدرت‌های سلطه‌گر علیه هم دیگر مورد استفاده بود؛ چنان که آمریکا برای مبارزه با شوروی در کشور اشغال شده افغانستان از گروه‌های جهادی حمایت کرد که بعدها القاعده را شکل دادند. اما حادثه تروریستی یازده سپتامبر به دنیا نشان داد که آنچه که در گوشه دیگر دنیا می‌کارید ممکن است روزی از خانه شما سر بر آورد. القاعده که توسط آمریکا و با کمک عربستان و پاکستان شکل یافته بود حال عملیات بزرگ و هدفمندی را علیه آمریکا سازماندهی و با موفقیت اجرایی کرده بود. این حادثه نشان داد که تروریسم از یک پدیده محلی-ملی به یک پدیده بین‌المللی-جهانی تبدیل شده است. مهمترین شاخص‌های تروریسم نوین عبارتست از:

الف) تروریسم نوین تحت تاثیر جهانی شدن:

به لحاظ انگیزه، تروریسم نوین را می‌بایست در چارچوب مدل سازمانی و هویت پایه درک کرد و به تحلیل یا مقابله با آن پرداخت. به بیان دیگر، تروریسم نوین در قالب نوعی خرده فرهنگ بروز می‌یابد. خرده فرهنگ غالباً به معنای تفاوت یا

تعارض فرهنگی با فرهنگ مسلط یا در حال غلبه است و از این لحاظ نوعی مقاومت در برابر آن به شمار می‌رود. تروریسم نوین، از این منظر واکنشی است در برابر گرایش مسلط در روند جهانی شدن. یکی از جنبه‌های اصلی این گرایش، جهانی شدن فرهنگ غربی است که درصدد همگون‌سازی فرهنگ‌های مختلف و ادغام آنها در فرهنگی فراملی به نام فرهنگ سرمایه‌داری است. چنین گرایشی، فرهنگ مذهبی را به عنوان اصلی‌ترین حوزه معنادهی و امنیت‌بخشی در بسیاری از جوامع و به ویژه در خاورمیانه، با تهدید مواجه می‌کند.^۱

ب) استفاده حرفه‌ای و گسترده از رسانه:

در عملیات‌های انتحاری آخرین حلقه از مجموعه سازمان دهنده‌ی عملیات، تیم رسانه‌ای است که وظیفه پوشش رسانه‌ای عملیات را برعهده دارد. معمولاً آخرین اظهارات یا وصایای عامل انتحاری را ضبط و تا جای ممکن فیلم صحنه عملیات را بدان می‌افزاید و سعی می‌کند در مقیاس وسیع توزیع کند.^۲ فن‌آوری رایانه‌ای در خدمت مواردی چون عضوگیری، تبلیغات سیاسی، تأمین مالی، ایجاد ارتباطات و هم‌آهنگی بین گروه‌ها و درون هر گروه، جمع‌آوری اطلاعات و پنهان‌کاری و ناشناس ماندن در فعالیت‌های روزمره و نیز در عملیات تاکتیکی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، قابلیت‌ها و امکانات جهانی، همچون ماهواره‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، خطوط هوایی بین‌المللی، اینترنت و مانند آن، می‌توانند به تروریست‌های جدید کمک کنند تا برای کسب منابع مالی، پناهگاه‌ها، استخدام اعضا و آموزش آنها و تأمین بسیاری از دیگر مایحتاج خود، از دولت‌ها بی‌نیاز شوند.^۳

ج) شخصیت‌نمایشی تروریسم نوین:

تروریسم جدید در مقام بهره‌گیری از ابزار نیز بیش از هر زمانی از قابلیت‌های

۱. فرزاد پورسعید، پیشین؛ ص ۱۵۷.

۲. احمد مهربان، جنگ علیه تروریسم و افزایش عملیات انتحاری در عراق و افغانستان، مجله راهبرد، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۴۸؛ ص ۳۹.

۳. فرزاد پورسعید، پیشین؛ ص ۱۵۷.

جهانی شدن سود می‌جوید. ارتقای تروریسم به گونه نوین آن، نه بر مبنای انقلاب در ابزار اعمال خشونت، بلکه بر مبنای بهره‌برداری از انقلاب رسانه‌ای یا انقلاب اطلاعاتی صورت گرفته است. انقلابی که بر اساس آن، تصاویر جای اخبار را به مفهوم کلاسیک آن گرفته است. تا پیش از این، آنچه اکثریت خاموش (یا طرف سوم) پس از هر عملیات تروریستی در پی آن بودند، بیانیه‌های پذیرش مسئولیت عملیات بود که به بیان اهداف و انگیزه‌های اقدامات تروریستی می‌پرداخت. امروزه، این انتظار جای خود را به اشتیاق برای رؤیت تصاویر عملیات داده است که اوج آن را می‌توان در حادثه یازده سپتامبر یا فعالیت‌های داعش مشاهده کرد. به همین دلیل است که تروریسم نوین، از شیوه تحریک و برانگیختن سود می‌برد نه باج‌خواهی. تروریسم قدیم عمدتاً بر باج‌خواهی تکیه داشت، زیرا منفعت محور بود، اما رسانه‌های جهانی و به ویژه تلویزیون‌های ماهواره‌ای این قابلیت را به تروریست‌های جدید داده‌اند تا به دنبال تحریک و برانگیختن احساسات و روان‌جمعی جامعه از طریق تولید صحنه‌ها و تصاویر به غایت فاجعه بار باشند. اگر هوایمایی منهدم شود، ولی همه تصور کنند دلیل آن نقص فنی بوده است، تروریست‌ها چیزی به دست نمی‌آورند. از این منظر، تروریسم نوین، بیش از پیش از کاهش کنترل سیاسی بر رسانه‌ها در روند جهانی شدن سود می‌جوید و مهمترین ویژگی آن مرتبط ساختن خشونت با رسانه و انتشار خبر آن است.

در یازده سپتامبر نیز بن لادن به گونه‌ای غیرمستقیم به تمامی پرده‌های تلویزیون‌های جهان دست یافت و سعی کرد با استفاده از تلویزیون‌های آمریکا به جنگ دولت آن برود. واشنگتن به سرعت به اهمیت این چالش پی برد و با ممنوع ساختن پخش تصاویر اجساد قربانیان، اجازه نداد آسیب‌پذیری دولت در برابر این گونه حملات، بیش از این نمایان شود.^۱

گرایش تروریسم جدید به تشدید انعکاس رسانه‌ای آثار خشونت، موجب می‌شود وسعت تخریب، میزان خسارات و تعداد قربانیان عملیات تروریستی، از اهمیت و

حساسیتی دوچندان برخوردار شوند. به بیان ساده‌تر، به هر میزان آمار این مؤلفه‌ها مقدار بیشتری را نشان دهد، تروریست‌ها به اهداف خود نزدیکتر می‌شوند. این امر موجب می‌شود نقش و کارکرد اکثریت خاموش یا طرف ثالث در گونه جدید تروریسم تغییر یابد یا در واقع، متحول شود.

د) سازماندهی شبکه‌ای:

تروریسم نوین، گرچه در برابر جهانی شدن شکل گرفته، ولی از امکانات و قابلیت‌های آن به تمامی بهره می‌برد و در واقع، در کنار تقابل، از رویکرد استخدام نیز سود می‌جوید. بنابراین، سازماندهی تروریسم نوین، همگام با ظهور جامعه شبکه‌ای، سازماندهی شبکه‌ای است و از این رو به آن تروریسم شبکه‌ای نیز می‌گویند.

شبکه، نوعی سازماندهی غیر سلسله‌مراتبی است که در آن، رابطه‌ای کمابیش هم‌تراز و هم‌سطح ما بین اعضا یا هسته‌های تشکیل‌دهنده آن وجود دارد. صورت‌بندی شبکه‌ای را می‌توان به تور ماهیگیری تشبیه کرد که هسته‌ها، گروه‌ها و جریان‌ها، گره‌های آن را تشکیل می‌دهند. این گروه‌ها عمدتاً در تعامل با یکدیگرند و حد اکثر استقلال را برای ابراز خلاقیت و هویت خود دارند.^۱

ه) قابلیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی:

تروریسم نوین برخلاف گونه‌های پیشین که غالباً خود را به سلاح‌های سبک و متعارف محدود می‌کردند، مستعد به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی با تخریب وسیع است. روندهای جهانی شدن که به ویژه پس از فروپاشی نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تشدید شده است، این امکان را فراهم کرده که علاوه بر دولت‌ها، گروه‌های تروریستی نیز بتوانند به این سلاح‌ها دسترسی یابند. این ویژگی به منزله تغییر جایگاه و مفهوم سلاح‌های کشتار جمعی اعم از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی در دوره جدید نسبت به دوره جنگ سرد است. برخی به ویژه از ارتباط تروریسم هسته‌ای با تروریسم جدید سخن گفته‌اند و

نوعی ارتباط نهایی را بین این دو پیش‌بینی کرده‌اند که در این صورت، غرب با یازده سپتامبر هسته‌ای مواجه خواهد شد. به نظر محققان، این مرحله را می‌توان ابر تروریسم نام نهاد.^۱

(و) هویت مبهم تروریسم جدید:

در مورد بعد هستی‌شناختی تروریسم نوین برخی معتقدند که حادثه یازده سپتامبر نوع جدیدی از تروریسم را به نمایش گذاشته که هویتی مبهم دارد. به اعتقاد ایشان تروریسم تا قبل از آن هویتی بسیار ملی و روشن داشته اما حادثه یازده سپتامبر نوع جدیدی از تروریسم را به نمایش گذاشته است که فراتر از وجهه ملی و محلی است. «قطعا مشاهده‌ی یک رویداد یگانه نمی‌تواند در تبیینی برای اینکه چرا خود تروریسم باید ویژگی تازه‌ای گرفته باشد، ارایه دهد. در همین رابطه یک عامل بیش از همه به‌نظرم دخیل است. هیچ‌کس واقعا نمی‌داند چه کسی دشمن است. اسامه بن لادن، یعنی یک شخص، حکم بدل را دارد ... تروریسمی را که امروزه با نام «القاعده» پیوند داده‌ایم، «هویت» معارض آنها را مشخص می‌کند ولی ارزیابی واقع‌گرایانه‌ی خطر آنها را ناممکن می‌سازد. این نامرئی بودن، کیفیتی جدید به تروریسم می‌دهد».^۲

(ز) جایگزینی مردم بجای نخبگان در عملیات تروریستی:

به تحقیق مشخصه اصلی تروریسم در دوره مدرن، کشیده شدن مردم به صحنه جنگ قدرت و استفاده از مردم در اتخاذ راهبردهای مستقیم و غیر مستقیم برای کسب قدرت و امتیاز است. در این راستا یا به حذف فیزیکی مهره‌های سیاسی و اجتماعی اقدام می‌شود یا با ارباب و تهدید مردم که معمولا با حرکت‌های تروریستی پیگیری می‌شود سعی در تغییر رفتار سیاسی مردم دارند.^۳

۱. همان؛ ص ۱۶۶

۲. یورگن هابرماس، یورگن هابرماس درباره سیاست کنونی آمریکا نظر می‌دهد. در:

www.Nilgoon.Org.com, 2005, 5, 13-6, 84 صص ۶-۱۳

۳. فیرحی. داوود و صمد ظهیری، تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، مجله سیاست، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۳؛ ص ۱۵۲.

ی) تروریسم جدید یک پدیده سیاسی با اهداف روشن:

تروریسم اشاعه و گسترش فرهنگ سیاسی مخالفت در یک نظام سیاسی و درگیری عمدتاً ایدئولوژیک برای کنترل منابع قدرت است. در این رابطه نیز به دلیل اهداف روشن، اغلب افرادی که وارد فرایند تروریستی می‌شوند افراد منزوی و تنهایی نیستند که در پی جبران نواقص روانی و یا به سبب محروم بودن از اعتبار و احترام (اجتماعی) کافی، به سادگی شیوه پرهزینه تروریسم را انتخاب کرده باشند. بلکه آنها گروهی از معتقدان واقعی‌اند و بسیار پیش از آنی که تروریسم شوند اقتدار رژیم حاکم را به چالش گرفته‌اند. آنها ابتدا در قالب هواداران جدید از موضعی ضعیف با نهادهای عمومی اعمال قانون درگیر می‌شوند. در عرصه جهانی برای خود دیدگاه جمعی مشخصی را دست‌وپا می‌کنند و سپس در طی یک فرایند افراطی‌گری، درنهایت به یک سازمان تروریستی تبدیل می‌شوند که در اغلب مواقع، گروهی برگزیده‌ای از طبقات متوسط بالای تحصیلکرده هست. شناخت منطق روانشناختی تکامل گروه تروریست‌ها این واقعیت را توجیه می‌کند که جوانان تحصیل کرده و عادی طبقه متوسط، بدون اینکه سابقه‌ای از خشونت داشته باشند، می‌توانند همه هنجارهای یک جامعه تشکیل یافته را نادیده گرفته، زشت‌ترین فجایع را مرتکب شده، در عین حال از کرده خود خشنود باشند^۱.

در مورد گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش باید تشکیل خلافت اسلامی را به عنوان آرمان و هدف مورد نظرشان عنوان کرد که این گروه‌ها سعی دارند بدان دست پیدا کنند. البته دست یازیدن به این آرمان موجب شده مسلمانان و به ویژه جوانان به این گروه‌ها بپیوندند که اعلام بیعت برخی گروه‌های اسلامی با داعش از جمله این موارد است.

۶- جریانات تروریسم و خشونت طلبی در جهان اسلام

همچنان که بیان شد موج چهارم تروریسم را می‌توان موج مذهبی نام نهاد که از ۱۹۹۷ آغاز گردید و با عملیات القاعده در یازده سپتامبر از یک پدیده محلی-محلّی به یک پدیده

۱. ابراهیم متقی، پیشین؛ ص ۲۷۴.

بین‌المللی - جهانی تبدیل شد. در این راستا گروه‌های متعدد دیگر تکفیری رشد یافتند که می‌توان مهم‌ترین گروه بعد از القاعده را داعش دانست که حتی در حال حاضر با القاعده نیز مبارزه می‌کند، هر چند خود، از القاعده منشعب شده است. به تحقیق ریشه گروه‌های تروریستی در جهان اسلام به نوعی به القاعده می‌رسد اما خود القاعده از کجا نشأت گرفته است؟ ریشه القاعده را باید در گروه‌های به اصطلاح جهادی مصر دانست؛ چرا که این جریان برخلاف جریان اخوان المسلمین فعالیت در چارچوب نظام را قبول نداشت و برخلاف تکفیر و الهجره انزواگرا نبود. به همین خاطر گروه‌های جهادی در دهه ۷۰ میلادی از افرادی که از اخوان یا تکفیر و الهجره جدا شده بودند و مشی آنها را قبول نداشتند تشکیل شد. این گروه مبارزه با دولت مصر را در برنامه قرار داد. سرانجام در اوایل دهه هشتاد که با دستگیری جهادی‌ها فضا برای آنها تنگ شد افراد برای ادامه فعالیت به سایر بلاد همچون افغانستان، یمن، پاکستان و ... هجرت کردند. بعدها افرادی همچون ایمن الظواهری، محمد شوقی اسلامبولی، محمد عاطف با پیوستن به بن لادن القاعده را پی ریزی کردند که با کمک ایالات متحده آمریکا برای مبارزه با شوروی در افغانستان آموزش نظامی دیدند. جریان افراطی القاعده مولود اندیشه‌های ابن تیمیه، ابن حزم، سید قطب و در نهایت عبدالسلام فرج است. چنان که اسامه بن لادن یکی از دانشجویان محمد قطب برادر سید قطب بود و ایمن الظواهری نیز شاگرد مستقیم سید قطب بود.^۱

با توجه به حجم گسترده عملیات‌های تروریستی از ۱۹۹۷ تا کنون، و رشد کمی و کیفی آن افزایش خشونت و سخت‌کشی در آن، مطالعات زیادی در زمینه آن صورت گرفته است. در این رابطه برخی پژوهشگران رشد این گروه‌ها را به دین مبین اسلام نسبت می‌دهند. در ادامه به این راهیافت بیشتر پرداخته خواهد شد.

در مطالعات مربوط به تروریسم می‌توان از چهار راهیافت علمی نام برد: راهیافت مذهبی، راهیافت روانشناختی - اجتماعی، راهیافت فلسفی و راهیافت منطقی - عقلانی.^۲

متأسفانه در رسانه‌های غربی و برخی محیط‌های آکادمیک غربی برای مطالعه پدیده تروریسم از رهیافت مذهبی استفاده می‌شود. در این زمینه چنین اظهار می‌شود که پدیده ترور ناشی از اعتقادات مذهبی و تعصبات دینی است و با بزرگ‌نمایی مسائل جهان اسلام این پدیده را به نصوص اسلامی و دین مبین اسلام مرتبط می‌دانند. در این میان مباحث هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها به این رهیافت تعلق دارد که راهبردهای اساسی ایالات متحده آمریکا نیز مطابق همین نظریه پایه ریزی شده و اسلام به عنوان عامل عملیات‌های تروریستی دانسته می‌شود. این پدیده به نوبه خود در رسانه‌های غربی به شدت پیگیری می‌شود تا اسلام هراسی در افکار عمومی تثبیت شود.

این رهیافت بسیار ناکارآمد است و ریشه این دیدگاه را می‌بایست در سیاست‌های استکباری نظام سلطه جستجو کرد. جالب آن که بر خلاف دیدگاه غربی نصوص مذهب شیعه نه تنها امر به ترور نمی‌کند، بلکه آن را تحریم می‌کند. به لحاظ علمی نیز خیلی از ترورهای ده‌های اخیر توسط مسلمانان انجام نشده است؛ به طور مثال در حدود دو‌یست حمله انتحاری توسط ببرهای آزد تأمیل در سریلانکا انجام شده است.^۱ با این توجه باید ریشه رهیافت مذهبی برای پدیده تروریسم را در سیاست‌های استکباری غرب با عنوان اسلام هراسی جستجو کرد.

۷- نقش استکبار در رشد جریانات تروریستی در جهان اسلام

نظام سلطه در رابطه با جریان تکفیری سعی دارد از آن برای نفوذ در جهان اسلام و رسیدن به منافع خود بهره‌برداری کند تا جایی که گروه‌های تکفیری و تروریستی با وجود همه نوع جنایتی که انجام می‌دهند تا زمانی که موافق منافع نظام سلطه هستند مورد حمایت مستقیم یا غیر مستقیم قرار می‌گیرند و در صورت تضاد منافع سریع تصفیه و نابود می‌شوند. در این رابطه سازمان‌دهی نیروهای جهادی علیه شوروی در افغانستان توسط آمریکا با کمک عربستان و پاکستان و نابودی همین گروه‌های جهادی

با حمله به افغانستان انجام شد قابل مطالعه است.^۱

در رابطه با دخالت‌ها و تاثیرات نظام سلطه در تشکیل و رشد گروه‌های تروریستی در جهان و تاثیرات مخوف آن بر جامعه جهانی مباحث آقای چامسکی بسیار خواندنی است. ایشان پرده از مصائبی برمی‌دارد که سردمداران جنگ با تروریسم برای مردمان و قربانیان جوامع مورد حمله‌شان به‌بار آورده‌اند درحالی‌که هیچ گزارشگر یا پژوهشگری باوجود پیشرفت‌های معجزه‌آسا در تکنولوژی اطلاعات نمی‌تواند آنها را نشان دهد. برای مثال او می‌گوید: در طول نخستین جنگ با تروریسم -در دوره ریگان- تروریسم دولتی هدایت شده آمریکا صدها هزار جسد شکنجه شده و متلاشی، میلیون‌ها افلیج و یتیم و چهار کشور ویران باقی گذاشت. باز در دوره ریگان، غارت‌گری‌های افریقای جنوبی که از سوی غربی‌ها حمایت می‌شد موجب کشته شدن یک میلیون و پانصد هزار نفر و ۶۰ میلیارد دلار خسارت به کشورهای همسایه شد درحالی‌که هیچ پژوهشگری به دلایل مختلف نتوانست هیچ پژوهشی در این موارد انجام دهد و ناشناخته باقی ماند. «لازم نیست دیگر درباره‌ی غرب و جنوب شرقی آسیا و آمریکای جنوبی چیز بگویم.» یا مثلاً می‌گوید: «برآوردها این است که از یازده سپتامبر شمار کسانی که در نتیجه مستقیم حمله در مخاطره‌اند، ۲/۵ میلیون نفر یعنی ۵۰ درصد افزایش یافته و به ۷/۵ میلیون نفر رسیده است»^۲.

در زمینه‌ی عراق بسیاری از پژوهشگران عامل اصلی سربرآوردن و گسترش بنیادگرایی دینی را یکی از پیامدهای حمله‌ی آمریکا به عراق می‌دانند؛ چنان که در سال ۲۰۰۸ به روشنی و با چشمان نیمه باز نیز می‌توان جنگ خونین و مهارناپذیر گروه‌های گوناگون بنیادگرا با نیروهای آمریکایی را دید. گرچه نیروهای نظامی و امنیتی ایالات متحده بارها مدعی نابودی کامل هسته‌های اصلی گروه ابو مصعب

۱. محمد اسماعیل نباتیان و مختار شیخ حسینی، زمینه‌های فکری - سیاسی جریان یعنی -تکفیری داعش، قم؛ مجمع جهانی

اهل بیت ع، ۹۳؛ ۷۹.

۲. ابراهیم متقی، پیشین؛ ص ۲۶۶

الزرقاوی شده‌اند و هر روز خبرهایی از دستگیری عوامل حمله‌های انتحاری و دسته‌های شبه چریکی وابسته به بنیادگرایان منتشر می‌کنند، ولی تکرار و فراوانی بس آمد-همین اخبار فاجعه‌آمیز که بیانگر انفجار مکرر بمب‌های جاده‌یی و انتحاری است- نشان دهنده‌ی حضور فعال بنیادگرایان اسلامی در پهنه‌ی جنگ عراق است. در واقع عراقی‌ها گرچه از شر دیکتاتور آدمخواری همچون صدام حسین آزاد شده‌اند ولی هر روز ده‌ها تن از عزیزان خود را قربانی جنگی می‌بینند که دخل و خرجش هیچ ربطی به ایشان ندارد. از یک سو تروریست‌های انتحاری و از سوی دیگر نظامیان آمریکایی، سازمان امنیتی نوپا و لرزان دولت را زیر فشار گذاشته‌اند^۱. رشد داعش در سالهای پس از خروج آمریکا از عراق بر دیدگاه بالا صحنه می‌گذارد که آمریکا به تحقیق یکی از مهمترین عامل زمینه ساز شکل گیری گروه‌های تکفیری است.

در رابطه با تاثیر و سازماندهی شدن گروه‌های تروریستی توسط نظام سلطه مطالعه تاریخچه القاعده می‌تواند بسیار روشن‌گرانه باشد؛ سازمان القاعده خالق یازده سپتامبر به مثابه قیامی نمادین، نمایشی علیه جهانی شدن فرهنگ سرمایه‌داری غرب است. ریشه شکل‌گیری این سازمان به زمان درگیری جنبش‌های اسلام‌گرا با اشغال‌گران روسی در افغانستان بازمی‌گردد. با حمایت CIA سرویس اطلاعاتی عربستان سعودی و سازمان اطلاعاتی پاکستان، یک شبکه بین‌المللی حمایت از اسلام‌گرایان افغانی تشکیل شد که غالباً از اعضای جهاد اسلامی مصر به رهبری ایمن الظواهری (مرد شماره ۲ القاعده) عضوگیری می‌کرد. بسیاری از رزمندگان عرب که برای مبارزه به افغانستان می‌آمدند، در کانونی متشکل می‌شدند که در پیشاور تحت عنوان مکتب الخدمات به رهبری یک مسلمان بحرینی الاصل و یک ثروتمند سعودی به نام اسامه بن لادن، پایه‌گذاری شده بود. بن‌لادن بعدها این مبارزان را که به اعراب افغان شهرت یافتند، در گسترده‌ترین شبکه تروریستی تاریخ یعنی القاعده سازماندهی کرد ایدئولوژی القاعده معجونی بود از تغییر جهت در اسلام‌گرایی به نوعی بنیادگرایی خاص با آمیزه‌هایی از

بنیادگرایی سنتی در میان سنی مذهببان وهابی آمیخته با احساسات فرهنگی ضد غربی که سعی داشت قواعد شرعی را به اتکای خشونت به جامعه بازگردانده و جوامع اسلامی و در نهایت سراسر زمین را از لوث وجود کفار پاک نماید^۱.

در پشت پرده این جریانات باید به پشتوانه دلارهایی اشاره شود که توسط آمریکا و عربستان به القاعده می‌رسید. چنان که اریک لوران از سالم بن لادن برادر اسامه بن لادن می‌نویسد که ثروت ۵ میلیارد دلاری خانواده بن لادن را مدیریت می‌کند. خانواده بن لادن چنان با خانواده سلطنتی عربستان سعودی نزدیک هستند که حتی در خرید اسلحه از آمریکا، با آنها شریک‌اند. به طور مثال در سال ۱۹۸۶ آمریکایی‌ها یک سیستم دفاعی هوایی به عربستان می‌فروشد که نگهداری و اداره‌اش به یک شرکت سعودی به نام السالم سپرده می‌شود، شرکتی متعلق به خانواده سعودی و بن لادن^۲. نمونه حاضر تنها اشاره کوتاه به وابستگی مالی بن لادن و خانوادش به عربستان و آمریکاست که پشتوانه مالی القاعده بوده است. با توجه به موارد یاد شده این پرسش مطرح می‌شود که هدف استکبار از تاسیس و حمایت از گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش چیست؟

۸- اهداف استکبار از تاسیس گروه‌های تروریستی

الف) تضعیف جهان اسلام و تجزیه آن

یکی از مهم‌ترین اهداف نظام سلطه، به تضعیف جهان اسلام و در صورت امکان، تجزیه کشورهای اسلامی بر می‌گردد. این مسئله در نمونه‌هایی همچون سودان، سوریه، عراق، یمن و لیبی به وضوح قابل مشاهده است. در مورد سودان این پروژه اجرایی شده است و در مورد عراق نیز تا حدودی اختلافات زیادی بین مناطق کرد نشین، شیعه نشین و سنی نشین ایجاد شده است که با حضور داعش در منطقه خطر تجزیه عراق افزایش یافته است. مسئله یمن و اعلام عدن به عنوان پایتخت و فعال کردن شکاف شمال و

۱. فرزاد پورسعید، پیشین؛ ص ۱۵۶.

۲. لوران. اریک، جنگ بوش‌ها؛ اسرار ناگفته یک جنگ، ترجمه سوزان میرفندرسکی، تهران: نشر نی، ۸۲؛ ص ۲۸.

جنوب، تقسیم لیبی به شرق و غرب و ... نشانه‌های دیگر این سیاست است. نکته مهم آنجاست که نظام سلطه در سقوط دولت‌ها مانند سقوط قزافی در لیبی کمک نظامی می‌کند اما بعد برای تضعیف دولت جدید با راه‌های مختلف تلاش می‌کند. چنین رویکردی در عراق و لیبی نیز قابل مشاهده است. نظام سلطه نه تنها به دولت عراق در مبارزه با داعش کمکی نکرده است بلکه در مسلح شدن داعش نیز نقش بارزی داشته است. نظام سلطه برای رسیدن به هدف یاد شده از گروه‌های تروریستی استفاده می‌کند مانند حضور القاعده در یمن، داعش در عراق و سوریه، النصر در سوریه و القاعده و داعش در لیبی.

ب) حمایت از اسرائیل:

یکی از اهداف غرب را باید تضعیف کشورهای اسلامی در برابر اسرائیل دانست. در این زمینه برخی پژوهشگران معتقدند نابودی ارتش‌های بزرگ منطقه یکی از راه‌های رسیدن به این هدف است. در این رابطه تا کنون ارتش سوریه و عراق با ایجاد داعش و النصره و حمایت تسلیحاتی از آنها بسیار ناکارآمد و ضعیف شده‌اند. تلاش زیادی برای خلع سلاح حزب الله لبنان صورت گرفت اما تا کنون موفق نبوده است. خروج ارتش سوریه از لبنان از دیگر اهداف بود که محقق شد. پیش بین می‌شود تلاش‌هایی برای تضعیف ارتش مصر آغاز شود که تحرکات صحرای سینا نشانه‌ای از آن می‌باشد.

ج) تضعیف جبهه مقاومت:

به تحقیق تضعیف جبهه مقاومت در جهان اسلام از برنامه‌های اساسی نظام سلطه محسوب می‌شود که با هزینه‌های گزافی در حال انجام است. در این مورد کشورهای محور مقاومت با روش‌های مختلف تحت فشار قرار گرفتند که تاسیس گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه و حمایت بی دریغ از آنها در این راستا انجام شده است. این اقدام منجر شده دو کشور سوریه و عراق به مدت پنج سال درگیر جنگی داخلی و خانمان سوز شوند که تا دهه‌ها آثار آن باقی خواهند ماند.

۹- چگونگی مبارزه با تروریسم

برای مقابله با تروریسم باید از چه الگویی پیروی کرد؟ در ادبیات موجود سه

پارادایم^۱ نظامی (جنگ)، سیاسی و حقوقی مطرح شده است:

پارادایم نظامی:

حادثه یازده سپتامبر توسط دولت ایالات متحده آمریکا به عنوان جنگ توصیف شد که طبعاً دفاع مشروع مسلحانه می‌تواند راه مقابله با آن محسوب گردد. رئیس جمهور آمریکا رسماً حمله یازده سپتامبر را حمله‌ای نظامی می‌داند که توسط دشمنان آزادی علیه کشورش ارتکاب یافته است. بنابراین منازعه‌ای مسلحانه^۲ تحقق یافته است.^۳

پارادایم سیاسی:

برای مقابله صحیح با تروریسم باید به پیام سیاسی آن توجه نمود. متأسفانه جامعه بین‌المللی هنوز نتوانسته است تعریف مورد وفاقی از تروریسم ارائه دهد. این ناکامی بیشتر علتی سیاسی و نه حقوقی دارد. دولت‌های سرخورده، ناتوان یا آن‌ها که قربانی جرایم اقتصادی و اجتماعی هستند یا از خود چنین چهره‌ای ترسیم می‌کنند از گردن نهادن بر تعریفی صرفاً شکلی یا مبتنی بر واقعیات از تروریسم سر باز می‌زنند. این دولت‌ها بی آن‌که آشکارا تروریسم را بستایند تلویحاً آن را توجیه می‌کنند و غالباً آن را آخرین حربه ضعیفاً به شمار می‌آورند. تصویب که جای خود دارد آنها حتی از پذیرفتن تعریفی از تروریسم که آزادی عملشان را محدود سازد و احتمالاً به محکومیت مبارزاتی منتهی شود که اغلب مورد تحسین عمومی هستند، ابا دارند. یک نمونه از این موارد جنگجویان جبهه مقاومت در جنگ جهانی دوم بودند که از سوی آلمانی‌ها تروریست خوانده می‌شدند در حالی که متفقین آنها را قهرمان می‌دانستند.^۴

۱. در یک تعریف کلی «پارادایم مجموعه‌ای از قواعد است که محدوده‌ای را مشخص کرده و به شما نشان می‌دهد که برای موفقیت در داخل این محدوده چگونه باید رفتار کنید، پارادایم الگویی برای چگونگی حل مسایل ارائه می‌نماید»
 2. Armed Attack.

۳. ناصر قربان‌نیا، پیشین؛ ۱۴۸

۴. همان؛ ۱۴۸

پارادایم اجرای قانون:

ایالات متحده آمریکا در چند مورد حملات تروریستی مانند سال ۱۹۸۸ در جریان بمب گذاری تروریستی در پرواز ۱۰۳ پان آمریکا و فاجعه کشته شدن ۲۵۹ نفر در لاکربی، بمب گذاری تروریستی سال ۱۹۹۳ در مرکز تجارت جهانی واقع در شهر نیویورک با بیش از ده نفر کشته و بیش از هزار نفر مجروح یا بمب گذاری سفارتخانه آمریکا در نایروبی کنیا و دارالسلام تانزانیا در سال ۱۹۹۸ دست به اقدام قانونی زد. اجرای قانون در مواجهه با تروریسم اختصاص به دولت آمریکا نداشته و کشورهای دیگری نیز که مبتلا به پدیده تروریسم بوده‌اند، از اجرای قوانین کیفری برای مقابله با آن بهره‌مند شده‌اند، چنان‌که ابتکارات بین المللی نیز با این رویکرد موافقت داشته‌اند. تصویب قوانین ضد تروریستی توسط کشورها و نیز تدوین کنوانسیون‌های متعدد بین المللی، دلالت بر اهمیت این روش دارد. کنوانسیون مربوط به ارتکاب جرایم و برخی اعمال در هواپیما (۱۹۶۳)، کنوانسیون سرکوب تصرف غیر قانونی هواپیما (۱۹۷۱) کنوانسیون سرکوب اقدامات غیر قانونی بر ضد ایمنی هوانوردی کشوری (۱۹۷۱)، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم نسبت به اشخاص تحت حمایت بین المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک (۱۹۷۳) و کنوانسیون بین المللی ضد گروگانگیری (۱۹۷۹) از این دست کنوانسیون‌ها، محسوب می‌شوند.^۱

پارادایم مبارزه فرهنگی با تروریسم

نگارنده معتقد است مبارزه و ریشه کنی تروریسم با توجه به ریشه‌های مختلف گروه‌های تروریستی که از یک طرف توسط نهادهای امنیتی تاسیس و تقویت می‌شوند و از جانب دیگر ریشه در فقر و جهل دارد، با سه پارادایم گفته شده بالا (نظامی، حقوقی و سیاسی) قابل ریشه کنی نیست. به نظر می‌رسد برای مبارزه با جریان تکفیر و تروریسم نوین نیاز به یک پارادایم فرهنگی است تا بتوان با گسترش این پدیده مبارزه

کرد. با این توجه در کنار رشد و توسعه جوامع اسلامی به ویژه در بعد اقتصادی و رفع فقر باید به موارد فرهنگی به ویژه گفت و گو و تقریب مذاهب، توجه نمود. در این مسیر باید همکاری متقابلی بین بازیگران مختلف صورت گیرد که شامل ملت-کشورها همراه با نهادهای بین المللی و منطقه‌ای می‌شود.^۱ در ادامه به طور خلاصه به برخی راهبردها و راهکارها اشاره می‌شود:

الف) مبارزه با پروپاگاندا^۲ و هیاهوی تبلیغاتی علیه اسلام تشیع

در حال حاضر با توجه به وجود شبکه‌های مختلف رسانه‌ای که تبلیغات اسلام هراسانه و شیعه هراسانه را در برنامه دارند، باید با این تبلیغات منفی علیه تشیع و اسلام مبارزه شود و تهدیدی که به واسطه هجمه تکفیری‌ها به اسلام و تشیع شکل گرفته به فرصتی برای معرفی درست اسلام و تشیع تبدیل شود. توضیح آن که با توجه به موج گسترده شکل گرفته علیه شیعیان و حساسیت جامعه اسلامی به آموزه‌های اهل بیتهی ناشی از آن، می‌توان شناخت دقیق از تشیع و آموزه‌های آن را تبلیغ نمود.

ب) اخلاق اسلامی و زیست مسلمانی

وجود گروه‌های تکفیری به گونه‌ای به اضمحلال اخلاق در جامعه مربوط منجر شده است. در مقابل این تخریب باید به اخلاق اسلامی که مبتنی بر منش پیامبر(ص) و اهل بیت ع است تاکید زیادی شود تا در جهان اسلام گسترده شود. این مهم کمک می‌کند که مسلمانان بتوانند با الگو قرار دادن معصومین زیست مسلمانی را در عرصه‌های مختلف زندگی خود در پیش گیرند که مبتنی بر اخلاق اسلامی است.

ج) مباحث علمی و تقریب مذاهب

در دوره آیت الله بروجردی و ابتکار ایشان حوزه‌ی علمیه قم و جامعه‌ی الازهر توانستند به گفتگوی علمی بپردازند و سیاست تقریب بین مذاهب ناشی از تلاش‌های

۱. رضا سیمبر، پیشین؛ ص ۳۲۹.

۲. پروپاگاندا(propaganda) گونه‌ای ارتباط است که در آن، اطلاعات هماهنگ و جهت‌دار برای بسیج افکار عمومی از طریق تبلیغات سیاسی پخش و فرستاده می‌شود.

این دوره بوده است. چنین روابطی مخصوصاً بین علمای شیعه و اهل سنت می‌تواند به شناخته شدن دقیق و درست تشیع توسط جامعه اهل سنت بیانجامد. در این راستا می‌بایست فارغ از جار و جنجال‌های رسانه‌ای گفت و گوهایی در زمینه تقریب شکل گیرد و با ادامه این ارتباطات از هجمه خطرناک علیه شیعیان و شکل‌گیری جنگ مذهبی جلوگیری شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری:

نوشتار حاضر بر آن بود تا نشان دهد پدیده تروریسم با حادثه یازده سپتامبر و با استفاده از ابزارهایی که جهانی شدن در اختیار آن قرار می‌دهد، یک تغییر بنیادین و اساسی را به نمایش گذاشته است. تغییر بنیادین که از آن به موج چهارم تروریسم یاد می‌شود تروریسم را از یک پدیده محلی-ملی به یک پدیده بین‌المللی-جهانی تبدیل کرده است. این شاخصه از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که با وجود این تغییر اساسی هیچ کشور و دولتی از مصونیت برخوردار نیست. چنان که در حادثه یازده سپتامبر نشان داده شد که گروه تروریستی القاعده از افغانستان توانستند عملیاتی پیچیده و انتحاری را در آمریکا اجرایی نمایند.

در این زمینه مطالعه داعش موید این مباحث خواهد بود؛ چرا که داعش با سازماندهی غیر متمرکز و سلولی خود و ایجاد شبکه گسترده از نیروها و هواداران خود در سرتاسر جهان می‌تواند در هر نقطه عملیات انتحاری انجام دهد. در این زمینه اعلام ظهور گروه‌های مختلف در جهان اسلام که خود را داعش معرفی کرده و با بغدادی بیعت می‌کنند نشان دهنده این خطر بزرگ برای جهان اسلام و فضای بین‌الملل است. در رابطه با شاخص‌های اساسی تروریسم موج چهارم به ویژه پس از یازده سپتامبر نشان داده شد که گروه‌های تروریستی با استفاده از ابزارهای ارتباطی علیه موج جهانی شدن شوریده‌اند و سعی دارند با خشونت بر هویت خویش پافشاری کنند. ابزارهای ارتباطی به آنها در جذب نیرو، جمع کردن کمک مالی، هدایت نیروها و انجام عملیات و مهم‌تر آن نشان دادن عملیات تروریستی به تمام جهان کمک کرده است. این عنصر خود موجب شده خشونت بسیار عریان‌تر و با فرایند سخت‌کشی و با کیفیت و کمیت بیشتری انجام شود و هدف نیز مردم عادی باشند؛ چرا که هر چه عملیات مخوف‌تر باشد رسانه‌ها بیشتر و بیشتر بدان خواهند پرداخت.

عناصر بالا از گروه‌های تروریستی جریانی دهشتناک ساخته که برای رسیدن به

خواسته‌های خود از هیچ ابزار و کاری فروگذار نیستند؛ چنان که از دین نیز استفاده ابزاری کرده و قرائت‌های شخصی و شاذ و بسیار منفعت‌طلبانه را رایج کرده‌اند. هویت گروه‌های تروریستی تکفیر موجب شده ترس استفاده ایشان از سلاح شیمیایی یا هسته-ای را زنده کند. چنان که این گروه‌ها به مواد شیمیایی یا هسته‌ای دست پیدا کنند خطر استفاده آن علیه جامعه وجود دارد. چنان که گزارش‌هایی از استفاده داعش از سلاح شیمیایی در سوریه و عراق منشتر شده است.

در پایان باید اذعان کرد مبارزه با این گروه‌ها همت بالای جامعه اسلامی و همکاری دولت‌های اسلامی و نهادهای بین‌المللی را می‌طلبد. در این رابطه جامعه اهل سنت باید و باید از خطر این گروه‌ها برای جامعه اسلامی آگاه گردد و دولت‌های اسلامی برای رفع زمینه‌های شکل‌گیری گروه‌های تروریستی که همانا فقر، جهل و نفوذ بیگانگان است بکوشند. ارتباط بین علمای مذاهب اسلامی و شناخت درست مذاهب اسلامی نسبت به هم، به ویژه تشیع از مهم‌ترین مواردی است که می‌بایست در پارادایم فرهنگی مبارزه با تروریسم دینی مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. یورسعید فرزاد، تحول تروریسم در روابط بین الملل، **مطالعات راهبردی**، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۶.
۲. سیم‌پر. رضا، جامعه بین المللی و مواجهه با تروریسم: راه کارهای حقوقی - سیاسی در ساختارهای یک جانبه و چند جانبه، **سیاست خارجی**، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۷۰.
۳. فیرحی. داوود و صمد ظهیری، تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، **مجله سیاست**، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۳.
۴. قراگوللو. محمد، عراق در گرداب تروریسم کلونالیسم و ...، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، شماره ۲۵۱-۲۵۲.
۵. قربان‌نیا. ناصر، مواجهه با تروریسم؛ رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی، **مجله نامه مفید**، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، شماره ۴۳.
۶. لوران. اریک، **جنگ بوش‌ها؛ اسرار ناگفته یک جنگ**، ترجمه سوزان میرفندرسکی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
۷. متقی. ابراهیم و صمد ظهیری و فاطمه جلائیان، تروریسم و جنبش‌های اجتماعی - سیاسی جدید، **مجله سیاست**، ۱۳۸۸، شماره ۹.
۸. مهربان. احمد، جنگ علیه تروریسم و افزایش عملیات انتحاری در عراق و افغانستان، **مجله راهبرد**، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۴۸.
۹. ناجی‌راد. محمد علی، **جهانی شدن تروریسم**، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
۱۰. نباتیان. محمد اسماعیل و مختار شیخ حسینی، زمینه‌های فکری - سیاسی جریان بعثی - تکفیری داعش، قم؛ مجمع جهانی اهل بیت ع، ۱۳۹۳.
۱۱. هابرماس. یورگن، یورگن هابرماس درباره سیاست کنونی آمریکا نظر می‌دهد در تاریخ ۱۳۸۳. در: www.Nilgoon.Org.com,2005,5,1.
۱۲. هاشمی. سیدحسین، **تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۳. هنل. ریچارد، **تروریسم؛ شکل جدید جنگ**، ترجمه احمد واحدیان غفاری، انتشارات سخن گستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی